

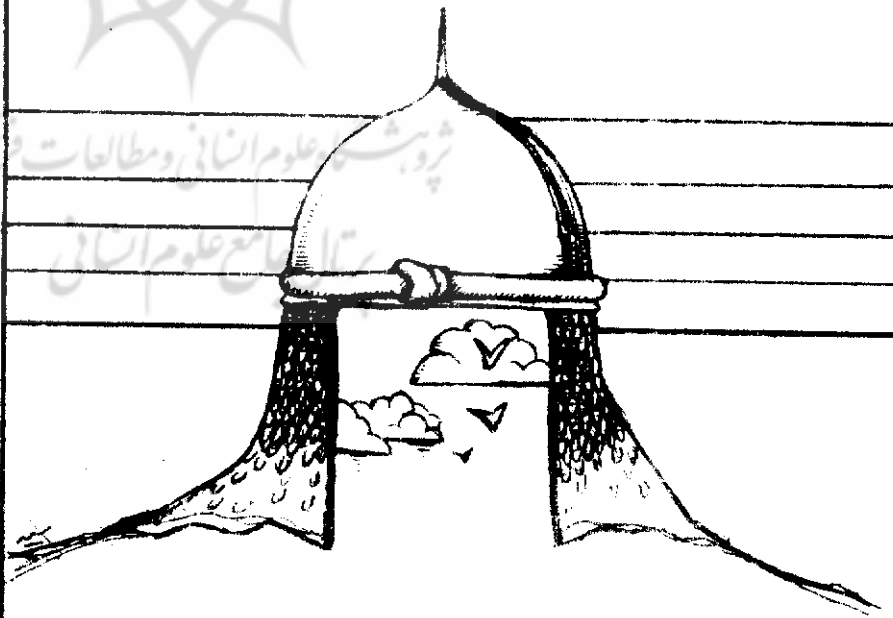
## استراتژی و تاکتیک در نبردهای پیامبر (ص)

در کتاب «تاریخ اسلام» آمده است که در نبرد بدر، پیامبر (ص) با ۱۰۰ تن از یاران خود در مقابل ۱۰۰۰ تن از مشرکین قرار گرفت. در این نبرد، دست آوردهای نبرد بدر و پی آمدهای آن از نظر خوانندگان عزیز میگذرد.

یعنی جنگ بدر، از نظر خوانندگان عزیز گذشت، در این شماره، دست آوردهای نبرد بدر و پی آمدهای آن از نظر خوانندگان عزیز میگذرد.

## دستاوردهای

# نبرد بدر



جنگ بدر روحیه نفاق را در مدینه خرد کرد. "یهود را متزلزل کرده و هرگز را برای همیشه خوار نمود یعنی جنگی که در اینجا شروع شد، زمینه را آماده کرد برای قدرت نمایی اسلام به تلم معنا. و سه دشمن خطرناک، حتی بگویم چهار دشمن: بدویان (قبایل بدوی مشرک)، قریش، یهود و منافقین. هر چهار تا بر اثر جنگ بدر یکجا ضربه خوردند. گرچه ضربه مستقیماً به مشرکین وارد آمد اما این ضربه عیناً به منافقین هم در مدینه وار شد. نه یهود هم وارد آمد. کما اینکه کعب بن اشرف یهودی وقتی شنید که اینها (مشرکین) را کشته‌اند، بفرق سرش زد و داد و فغان که اینها پادشاهان زمین را کشتند! تعبیر میکرد از اینها به "ملوک الارض"! و بعد عبدالله بن ابی ریس منافقین گفت: دیگر فکر نکنم امیدی باشد، بروید به سوی این مرد فعلاً یک محلی برگزینید برای خودتان و پناه ببرید به اسلام. یعنی با یک تعبیر خاصی که فعلاً بروید سوی اسلام. این تعبیری بود که سر دسته منافقین در مدینه کرد و شرک هم مشغول طرح ریزی شد که در آینده چگونه با اسلام مواجه شود. قبایل بدوی هم حساب خودشان را کردند. یعنی از آن روز در ذهنشان زمینه‌ای و جایی برای قدرتی به نام اسلام باز شد زیرا آنها فقط زور شمشیر را می‌فهمیدند و لمس میکردند.

آنها تا به آن موقع به صورت مزدور برای کاروانهای قریش کار می‌کردند از حالا فهمیدند که قدرتی به نام اسلام وارد مدینه شده است. یعنی این ضربه مستقیماً به چهار گروه و چهار دسته و چهار عنصر دشمن در مقابل اسلام، وارد آمد. این نتیجه بدر. منافقین موضع گیری شان عوض شد در مدینه، یهود موضع گیری شان عوض شد. اینها آمدند آن شبهه جنگ سرد تبلیغاتی را تشدید کردند و بعد از شبهه‌های خاصی که حالت لجاجت داشت و ممکن بود بر اثر آن بدام بیفتند، خودداری کردند. مشرکین هم

رفتند برای برنامه ریزی. شما میدانید بعد از اینکه جنگ بدر منجر به شکست مشرکین شد، سردسته منافقین دستور داد به تمام پیروان و اصحاب خودش که اکنون بروید در خود اسلام نفوذ کنید یعنی دیگر از امروز خودتان را کنار نکشید که به عنوان یک دشمن خارجی شناخته

**\* نبرد بدر کلید فتح بود**  
**این جنگ نخستین دستر پنجه**  
**نرم کردن کمر و شرک بود با**  
**اسلام، که در بدر اسلام ضرب**  
**شست خودش را نشان داد.**

شوید. سعی کنید به هورت نفوذی در اسلام داخل بشوید این کلمه‌ای است که خود عبدالله بن ابی به کار برد یعنی گفت ما دیگر نمیتوانیم به عنوان یک عنصر شناخته شده‌ای کنار بایستیم بلکه سعی کنید که داخل بشوید تا از داخل بتوانیم کاری بکنیم یعنی ما خودمان را به عنوان مسلمان مطرح کنیم تا از بیرون بتوانیم کارهایی بکنیم و جنگ سرد تبلیغاتی را با شکل‌های مختلف راه بیندازیم. جنگ تبلیغاتی برای این بود که اثر این پیروزی را به شدت خنثی کنند. خیلی شدید فعالیت کردند، پیهود با منافقین و بعضی از شرعاً، موضوعاتی مطرح میکردند که خود جنگ تحت الشعاع واقع بشود. کتب این اشرف قصابی میگفت که در آن قصاید زنان مومن مدینه را تشبیه کرده بود و نام برده بود. یعنی عیناً "اسم زنان محترم و مومن را در غزل‌های خودش می‌آورد. برای اینکه میخواست از آن روح ادیبی و جاهلی استفاده کند تا مسئله جنگ تحت الشعاع واقع بشود. پیهود میگفتند این پیامبر رفته با یک عده مبارزه کرده و هنوز قدرت پیهود را ندیده، بعد از این جنگ نباید ما را کنار بزنند و بایستد

بدانند که ملجیز دیگری هستیم. از نظر رزمی قدرتی مافوق هستیم که هیچکس نمیتواند با ما مبارزه کند. این نشان میداد که از اینجا اینها شکست خورده بودند. و میخواستند حساب شده زمینه را برای حمله آماده کنند که حداقل بتوانند خودشان را حفظ کنند. یعنی از این حرف پیهود فهمیده میشود که پیودفکر اخراج و دربدری و از بین رفتن خودشان را کرده بودند. این بود که خودشان را یک قدرت آهین مطرح میکردند و میگفتند این مشرکین بودند که شکست خوردند. البته ناقصی هم در گفته‌هایشان بود. آنها کتب بن اشرف بقیه میدردید که پادشاهان روی زمین را کشته‌اند! حالا میگفتند اینها یک مشت جاهلی بودند.

**\* جنگ بدر، جنگی بود**  
**که مسئله عاطفی و قومی و**  
**خوبی کنار رفت و «مکتب**  
**محور» شد.**

اگر با ما برخورد میکردند. ضرب شش را می‌فهمیدند. این تناقض بین گفته‌های خودشان بود و نشان می‌دهد که روحیه‌شان را باخته بودند و احتمال حمله بعدی را هم میدادند و می‌دانستند که سرنوشتشان چیست. بعد از مشرکین اینها دیگر چیزی نبودند. بنابراین داشتند خودشان را به صورت (ببر کاغذی) مطرح می‌کردند.

منافقین هم پشت جبهه تبلیغاتشان شروع شد و هم به عنوان عوامل نفوذی خواستند بیشتر وارد اسلام بشوند. برای مسلمین غزوه بدر نخستین ضرب‌های بود که مستقیماً بر پیکر شرک وارد آمد خود را آزمودند. انصار که تا آن زمان به صورت "هم پیمان" در مدینه شناخته شده بودند از آن روز

به عنوان فداکاران مسلمان در اختیار پیامبر قرار گرفتند و پیامبر به آنان اعتماد کرد و دریافتند اینها مردمی هستند که برای هر روز و هر لحظه آماده‌اند که جانشانی کنند. سباهی اندک که بر اساس مکتب تشکیل شده بود. برای نخستین بار خودش را در عربستان آزمایش کرد و این سپاه با قوی‌ترین فرمانان جنگ افرور مشرک جاهلی مبارزه کرد و آنها را شکست داد این بزرگ‌ترین پیروزی برای سباهی بود. راه را باز می‌کرد. این جنگ کلید فتح بود. این جنگ نخستین دست و پنجه نرم کردن کفر و شرک بود با اسلام که در بدر اسلام ضرب شست خودش را نشان داد. و زمینه را آماده کرد. از امروز دیگر مسلمین خودشان را فاتح به مدینه نمی‌دانستند. میخواستند این فرهنگ و فکر را گسترش بدهند. اسلام را گسترش بدهند در سرتاسر شبه جزیره. از امروز بود که زمینه می‌چیدند و طرح‌ها می‌ریختند. اینها پیامدهای جنگ بدر بود.

در مورد اسرای جنگ، حرف‌هایی است که باید مطرح کنیم: "اولاً چه کسانی اسیر شدند؟ کسانی که به سختی مسلمین را شکنجه و اذیت می‌کردند حالا خودشان به عنوان اسیر در دست همین مسلمانان شکنجه شده بودند.

"امه بن خلف" در دست "عمار یاسر" و "بلال" بود. ابوجهل کشته شده بود و دیگران... و تمام کسانی که به عنوان شکنجه‌دهندگان و اذیت‌کنندگان مسلمین در مکه بودند در آن سیزده سال اکنون خودشان اسیر شدند و در دست مسلمین قرار گرفتند. این بود که سرنوشتشان بسیار با خفت و خواری مقرون بود از جمله یک آزمایش دیگر برای مسلمین پیش آمد که "عاطف" را کنار گذاشتند. جنگ بدر، جنگی بود که مسئله عاطفی و قومی و خوبی کنار رفت، مکتب محور شد. در سایر جنگها تا بحال اینجور نبوده - جنگهای قبلی بقیه در صفحه ۹۶

# دستاوردهای...

عرب بر اساس قومی و خویشی و سنت و فامیل آباء و اجداد بود .

اینجا جنگی بود که برادر با برادر می جنگید . جنگی بود که پدر با پسر می جنگید . جنگی بود که پدر بدست پسر کشته شد و بدست پسر در چاه ریخته شد . جنگی بود که برادر زیر چکه برادر له میشد یعنی نخستین جنگی بود که پیوندهای عاطفی و سنتی را از هم پاشید . و اساس و محور را مکتب قرار داد و پیوند برادری و مکتبی را محور قرارداد در جنگها . این نخستین تجربه در عربستان بود . اینها همه حساب شده بود که بعداً " میتوانیم روی این زمینه ها کار کنیم . مثلاً " در مورد " مصعب بن عمیر " گویند ، برادرش " ابو قحیف " اسیر شده بود . این در سیاه اسلام بود و آن در سیاه شرک . این فکر کرد که الان برادرش می آید مثلاً " در خواست عفو می کند . آمد گفت : خوب کسی را گیر آورده اید این مادرش خیلی پول دارد .

این را می فرستیم تا خوبهای بسیاری از او بگیریم . گفت برادر فکر نمی کردم اینجور در مورد من برخورد کنی . یعنی من تصور داشتم که شما برادر منی یک چیز دیگری بگوی . گفت : بهتر از این هم دیگر لیاقت نداری .

این بهترین جوابی بود که در مورد شما گفتم . یعنی پیوندها از هم بریده شده بود . شخصی از مسلمانان کشته پدرش را دید که به چاه ریختند یک حالت ناراحتی برایش پیش آمد . رویش را برگرداند به ما می گفتند : از کشتن پدرت ناراحت شدی ؟ گفت نه . از این ناراحت نشدم . از این ناراحت شدم که این مرد در کفر مرد . ناراحتی من این است که پدرم در کفر مرد . اما خود پدرم ارزش ندارد برای من کشتنش مطرح نیست و این آزمایشی بود که تصمیم جبهه های مومن را نشان داد ، و نشان داد که این سپاه بر این منا میتواند مبارزه کند و پنجه در پنجه قولهای آن زمان بیندازد و انداخته ادامه دارد .



## \* خواهر زاکلین سپهری از باختران

باسلام و آرزوی توفیق الهی، داستان شمارا دریافت داشتیم. بروز احساسات شما در این داستان قابل تقدیر است و کلامتان بیانگر و ام گرفتار از سرچشمه عاطفه و احساس پرشور و درک حقیقت از سر پرده فساد و جنایت رژیم گذشته است. باین همه دواشکال در داستان به چشم می خورد، اولاً: آغاز داستان گنگ و نامفهوم میباشد و کلمات و جملات بطور رسا و گویا بیان نشده اند ثانیاً: چون داستان بی پروا و بقول معروف بی حجاب بیان شده است ما از چاپ آن در مجله جهاد معذوریم این سری داستان بهتر است در مجلات عمومی مورد استفاده قرار گیرد. شما مطالعه خود را در زمینه داستان نویسی افزایش دهید. و برای مانیز داستان بفرستید تا انشاء... در مجله از آن استفاده کنیم، متشکریم.

برادر رضا اسماعیلی از تهران: ضمن تشکر از همکاری و ارسال اشعارتان، سرودهای شمارا دریافت کردیم. انشاء... از آنها استفاده خواهیم نمود. مامنتظر دریافت سروده های دیگر شما هستیم. خدایارتان باد.

\* برادر ایرج قنبری از جهاد تنکابن:

باسلام و تشکر از همکاری شما برادر عزیز و کمیته فرهنگی جهاد تنکابن شعر شما بدست ما رسید.

امید است درسنگرتان که کمک و همیاری به امت غیور و شهید پرور است، پیوسته موفق و پیروز باشید. مامنتظر دریافت اشعار دیگر شما هستیم. موفق باشید.

## \* برادر حسن خاکساری هرنزی از اصفهان:

سلام بر شما، شعر شما بدست ما رسید، اما چون زمان و موقع چاپ شعر گذشته است. لذا از استفاده آن معذوریم. امیدواریم از دیگر اشعار خود برای ما بفرستید متشکریم.

## \* برادر رمضانعلی گلگون از میبد:

ضمن تشکر از ارسال اشعارتان، سروده های شمارا دریافت داشتیم. انشاء... از آن استفاده خواهیم نمود. مؤیدباشید.

## \* برادر ناصر ظهیری از اقلید:

باسلام و آرزوی توفیق الهی، اشعارتان بدست ما رسید.

امیدواریم که در پناه حق تعالی پیروز بوده و مجله خودتان را غنی سازید.

## خدایارتان باد.

## \* برادر آرش کاظم نیا - ارومیه. با سلام فرم

ابونمان در صفحه آخر مجله چاپ شده است. با تکمیل و ارسال آن به دفتر مجله شما مشترک مجله خواهید شد. موفقیت شما را آرزو مندیم.

## \* برادر - نامه بدون نام و نشان شما را دریافت

داشتیم از تذکرات و توصیه های شما در مورد مجله جهاد سپاسگزاریم. در مورد مرحوم دکتر شریعتی آنچه در مجله آمده بود سخنان نزدیکترین یاران امام در باره ایشان بود. و در اسیر موارد هم که اشاره کرده بودید بهتر بود شواهدی را ذکر می کردید در خاتمه موفقیت شما را آرزو مندیم.

### فرم اشتراک مجله «جهاد» از کان جهاد سازندگی

افراد و مؤسساتی که علاقمند به اشتراک مجله «جهاد» می باشند فرم زیر را تکمیل نموده همراه یا رسید وجه آن به آدرس:  
تهران صندوق پستی ۳۱۴/۱۲۲۳ - بخش توزیع مجله ارسال دارند.  
تذکر: ۱- مبلغ اشتراک ۶ ماهه ۴۸۰ ریال و اشتراک یک ساله ۹۶۰ ریال می باشد.  
۲- مبلغ اشتراک باید به حساب ۱۲۶۳ بانک ملت شعبه میدان انقلاب بنام های احمد بیله و رستاری و سعید آقا بزرگی واریز شود.

اینجانب ..... متقاضی اشتراک ششماهه - یکساله مجله جهاد می باشم مبلغ ..... ریال به حساب شماره ۱۲۶۳ بانک ملت شعبه میدان انقلاب واریز نموده و رسید شماره ..... به پیوست فرم درخواست اشتراک ارسال می گردد  
آدرس  
محل امضاء متقاضی  
.....